



شناخت استعداد

کودکان سه تا شش ساله

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تال جامع علوم انسانی

است و یک دوره مهم و استثنائی بشمار  
می‌رود، ما در در این دوره حس می‌کنند که  
کودک او دیگر یک جزئی تابع از او نیست ،  
بلکه یک شخصیت مستقل است که دارای  
تمایلات و خواسته‌های مستقل و جداگانه است  
حالا کودک از جمله کلماتی که زیاد بکار می‌برد  
کلمه «چرا» است ، او می‌خواهد دلیل  
دستورات پدر و مادر خود و حرف‌هایی را که  
می‌زنند بفهمد و تا دلیل آنرا نکویند دست

استعدادها و توانائی‌های کودکان را  
از سنین یک تا سه سالگی در شماره قبل  
شرح دادیم اینک با استعدادها و مشخصات  
کودکان سه تا شش سالگی آشنا می‌شویم:

### کودکان از سه تا چهار ساله

این دوران از نظر تکوین شخصیت  
کودک، از هر جهت قابل توجه و ملاحظه

بردار نیست وقانع نمیشود و در حقیقت مادر و پدر باید صبر و حوصله زیادی داشته باشند تا بتوانند به تمام سئوالات او جواب بگویند. در سن سه سالگی کودک شروع میکند که شخصیت خود را پیدا کند و صفات او شکل میگیرد، وقتی کار کوچکی را انجام میدهد، خوشحال می شود و تشویق میگردد و وقتی هم که با اطرافیان خود به توافق نرسد، اوقات تلخی کرده و از آنها انتقاد

می نماید.

بعضی از پدران و مادران ناگهان متوجه میشوند که کودک آنها دارای خصوصیات مذموم و ناپسند هم شده است، مثلاً ممکن است که بی نهایت حسود شود و به همه حسادت کند و یا درصد آزار دیگران برآید، کارهایی که سابقاً اصلاً نمیکرده است! در اینجا پدران و مادران نباید نگران شوند زیرا در حقیقت این شخصیت کودک است که دارد شکل



میگیرد و بهمین جهت صفات بدو خوب در او دیده می‌شود، کودک که در این سن، تازه خصوصیات خود را، دارد درک می‌کند، نمیتواند مانند بزرگترها این خصوصیات و احساسات را کنترل کند و آنها را هرطوری که در درون او میگذرد بدون پرده آشکار می‌کند. کودک در این سن بخیلی متوجه

جنس خود می‌شود و میداند که پسر یا دختر است، او بعلاوه خوب میفهمد که بطور مثال اگر دختر است، روزی مانند مادر خود، یک زن خواهد شد و میتواند صاحب بچه بشود. در این سن پدران و مادران باید انتظار داشته باشند که با سئوالات کودک خود در امور جنسی رویرو شوند، سئوالاتی که حتماً باید بان پاسخ لازم بدهند و کودک را در ابهام باقی نگذارند. بزرگترین سؤال آنها هم اینست که بچه چطور بوجود میآید و یا اصولاً خود آنها چطور متولد شده‌اند (در این مورد کافی است بانها گفته شود که بچه در شکم مادر خود رشد می‌کند و وقتی باندازه کافی بزرگ شد آنوقت از شکم او خارج میشود)

در این سن بعلاوه کودکان خصوصیات جنسی خود را هم پیدا می‌کنند، مثلاً پسرها احساس می‌کنند که میخواهند دائماً با مادر خود باشند، به پدر خود که شب‌ها با مادر آنها در یک اتاق میخواهد حسادت میورزند و نظیر همین احساس را دخترها نسبت به مادر خود دارند، در همین سن نیز کودکان ممکن است شب‌ها دچار بیخوابی شوند و از خواب بپرند و به اطاق خواب پدر و مادر خود بیایند وقتی آنها را کنار یکدیگر به بینه بیشتر ناراحت میشوند و دیگر با اطاق خواب خود نمیخواهند بر

گردند. اینها البته جریان‌های عادیست که در هر کودک باین سن، بطور ضعیف یا شدیدظاهر می‌شود و در این مواقع با پدران و مادران است که به کودک خود کمک کنند تا او بتواند بر احساسات خود غلبه کند و این در حقیقت با آنهاست که در رفع ناراحتی کودک خود کوشش کنند.

بعضی از مادران معمولاً خوششان می‌آید و افتخار می‌کنند، وقتی می‌بینند که پسر کوچکشان آنها را در آغوش گرفته و با دست‌های کوچولوش فشار میدهد ولی آنها باید بدانند که بهترین راه حل در این مورد آنست که در محبت به کودک مرز و حدودی قائل شوند و به کودک بفهمانند که وقتی بزرگ شد او هم میتواند ازدواج کند و همسری داشته باشد و با او زندگی کند.

در حال اگر پدر و مادر عاقلانه در این مورد رفتار کنند حسادت کودک کان بزودی از بین میرود، دیگر پدر برای آنها یک رقیب نیست بلکه بزرگ و رئیس خانواده و یک نقطه اتکای مهم است و کودک سعی می‌کند مانند پدر خود توانا و نیرومند بشود تا او هم روزی بتواند خانواده‌ای تشکیل دهد و صاحب همسر و فرزند گردد.

و این یکسال در حقیقت از نظر پرورشی آینده کودک حائز اهمیت خاصی می‌باشد.

## کودکان چهار تا پنج ساله

رشد کودک در چهار سالگی کاملاً محسوس است، در این سن با او براحتی می‌توان صحبت کرد و حرف زد و مسائل مختلف را برایش تشریح کرد. کودک در این سن بهتر حرکت می‌کند،



بلکه مهم این است که او از اعضای بدن انسان آیا همه را کشیده است یا نه ، یک کودک چهارساله قبل از آنکه وارد پنجسالگی شود باید بتواند برای شکل انسان سر ، چشم ، بینی ، دهان و تنه و پا بکشد ، دخترها معمولاً ذوق نقاشی بیشتری در این سن از پسرها دارند و آنها قاعدتاً باید در اشکال خود برای انسانی که نقاشی می کنند بتوانند دست هم بکشند .

از نقاشیهای کودکان نه فقط هوش آنها بلکه میزان تکامل احساساتشان را هم می توان تشخیص داد اگر مثلاً آنها شکل خود را غالباً خط خفی می کنند یا مثلاً فاصله ای خالی میان سر و بدن او میگذارند ، یا اینکه قرینه سازی را در نقاشی های خود رعایت نمی کنند ، دلیل آنست که از نظر احساسات و روان اختلالاتی در آنها وجود دارد ، کودکانی هستند که در

بهتر حرف میزنند و بهتر نقاشی می کند ، استعداد های سال گذشته کودک حالا شکل ثابتی بخود میگیرند و با یک تست آزمایش می توان تشخیص داد که هوش و ذکاوت و احساسات او تا چه حد تکامل پیدا کرده است ، این تست و آزمایش ساده است : (دو سال بعد در مدرسه هم ممکن است نظیر این تست با کمی تغییر بکار برده شود) کودک شکل انسانی را می کشد، در این مورد نباید باو تکلیف کرد و دستور داد که شکل یک انسان را نقاشی کند ، بلکه خود کودک معمولاً در این سن با علاقه ای که به نقاشی دارد این کار را می کند - آنوقت باید دقت و توجه کرد که او شکل انسان را چطور کشیده است ، در اینجا بهیچوجه صحبت از این که کودک شکل انسان را از نظر نقاشی خوب و قشنگ کشیده است نیست ،

می‌کشند ، فقط یک تصویر خیالی و ذهنی نیست ، بلکه تصویری از آنچه‌زهایی است که درخودشان یافته و کشف کرده‌اند ، کودکانی که عقب افتاده بوده و عارضه‌ای روانی پیدا کرده باشند غالباً نمی‌توانند سرانسان را خوب بکشند ، آنها بعضی از اعضای سر و صورت را نقاشی می‌کنند ولی بلافاصله آنرا خط خطی می‌کنند ، گویا خودشان هم آن تصویر را قبول ندارند و میخواهند که این تصویر باطل را از یاد ببرند . این اختلالات و عوارض درونی خوشبختانه خیلی کم و نادر است ولی پدران و



مادران دقیق در هر حال باتوجه به نقاشیهای کودک‌کان خود می‌توانند، به بسیاری از روحیات آنها پی ببرند و بفهمند که آیا کودک آنها واقعاً یا مشکل و نارسا راحتی درونی روبروست ؟ آیا احتیاج به توجه و مراقبت زیادتر دارد ؟ آیا دچار نگرانی و ترس و وحشت شده است و از چیزی دائم در وحشت و نگرانی است ؟ و یا آنکه خوشبختانه کودک‌کی از هر جهت سالم و بدون هیچ عارضه و اختلال درونی است .  
کودکان چهار ساله می‌توانند باقیچی و

اشکال و نقاشیهای آنها ، انسانی که کشیده‌اند، دستش قطع شده است یا آنکه چشمانش را از حدقه درآورده‌اند و یا دندانهای بزرگی دارد که از دهان او خارج شده است و یا آنکه پشت او خمیده است و قوز دارد ، این نقاشیها حکایت از یک نوع ناآرامی درونی کودک و اختلال در احساسات او می‌کنند .  
حقیقت قضیه در نقاشی‌های کودک‌کان آنست که آنها در این سن معمولاً خود را کمی شناخته‌اند و تصاویری که از یک انسان

چسب کار کنند ، کاغذها و اشکالی را ببرند و روی مقوا بچسباند اگر پدر و مادر کودک حوصله داشته باشند، می توانند این کار دستی

را ناراحت کنید و در حقیقت کافی است که کودک در این سن اطلاعات عادی و معمولی خود را داشته باشد . کودک در فاصله سن پنج تا شش سالگی علاقه و توجه زیادی به جریاناتی دارند که در اطراف آنها میگذرد پدران و مادران می توانند درباره این اتفاقات و حوادث، با کودک خود زیاد صحبت کنند و ذهن او را با واقعیت زندگی عادی آشنا نمایند و ضمن اینکار لغات تازه ای هم از پدیده های روزمره با او بیاموزند و فهم زبانی او را زیاد کنند .

در تست هائیکه برای کودکان مستعد برای ورود به مدرسه تنظیم می شود - غالباً این سئوالات مطرح میگردد : در آب چه حیوانی زندگی می کند ؟ اسم انگشت بزرگ دست چیست ؟ ، نسان را از چه درست می کنند ؟ ، برای آنکه آب جوش بیاید باید چه کار کرد ؟ ، چرا انسان باید کار کند ؟ ، چرا جنایتکاران را زندانی می کنند ؟

آنچه که کودک در درجه اول برای مدرسه لازم دارد و باید آنرا یاد بگیرد ، آنست که اول خود را خوب بشناسد و بتواند مقاصد را بیان کند بعد هم با دیگران همکاری نماید و حرف ها و توضیحات آنها را بفهمد .

بچه ها از کودک کی خود بخود حراف و ناطق نیستند ، بلکه باید این هنر را بآنها آموخت ، باید با آنها تمرین کرد که صحبت کنند و حرف بزنند ، از آنها باید سؤال کرد که جواب بدهند و وقتی هم جواب درست دادند باید آنها را تشویق کرد . ، تشویق در بالا بردن استعداد آنها نقش مهمی دارد .

با کودکان در این سن می توان بازی کلمات کرد ، یعنی مثلا یک کلمه ای را گفت و از آنها خواست هر چه راجع بان یادشان می آید بگویند ، مثلا بگویند سگ ، و کودک می تواند از کلمات حیوان ، موجود زنده ، پشمالو ، عمو کردن و غیره نام ببرد .

ولی مهم این است که این تمرینات را هیچوقت نباید بعنوان درس انجام داد ، بلکه باید بیشتر جنبه بازی و تفریح داشته باشد و کودک حس کند که از این بازی تفریح می کند و لذت میبرد و بدین ترتیب از آن نتیجه بهتری گرفته میشود . ساده را یاد کودک خود بدهند . بدین ترتیب کمک مهمی به تکامل و پیشرفت استعداد او کرده اند .

## کودکان پنج تا شش ساله

کودکان پنج ساله دوران و سال های طولانی پر از تحول را پشت سر خود گذاشته و از آن مراحل عبور کرده اند کودک کان پنج ساله در حقیقت رسیده شده اند ، آنها قیافه ای مطمئن تر از کودک کان چهار ساله دارند و از آنها جدی تر و مستقل تر بنظر میرسند .

در این سن کودک حس می کند که گاهی هم مایل است از پدر و مادر خود دوری اختیار کند ، او دوستانی برای خود پیدا می کند که با آنها بازی میکند و سرگرم میشود ، اما ساعتی که با دوستش گذراند ، آنوقت بیاد خانه می افتد و سری هم با آنجا میزند که مادر خود را به بیند .

بطور خلاصه : همه چیز حکایت از آن دارد که کودک بزودی آمادگی رفتن به مدرسه را پیدا میکند و برای رفتن به مدرسه مستعد

بقیه در صفحه ۵۲



ویا تشنج پیدا شود و کودک خمیازه‌های متعدد توأم با این کشش داشته باشد .

\* اگر گردن کودک سفت و خشک شود از جای خود حرکت نکند ویراست و چپ خم نشود .

\* سوقمی که جوش‌ها یادانه‌هایی روی پوست صورت یا نقاط دیگر بدن کودک ظاهر شود که ممکن است علامت یک نوع بیماری عفونی باشد .

\* اگر در بازوها و پاها و صورت بچه کشش

### بقیه شناخت استعداد

در این مورد توصیه‌ای که به پسر و مادرها می‌شود اینست که هرگز کودک را خود را دست کم نگیرید و استعداد آنها را ناچیز تصور نکنید ، بآنها اطمینان داشته باشید یکسانی را که بمرسه رفتن آنها مانده است بخوبی و خوشی بگذرانید ، هیچوقت درصدد برنهایتی که کودک را در این سال در خانه به خواندن و نوشتن و حساب کردن آشنا کنید و او را بزور مجبور نکنید که مقدمات این کار را فراگیرد ، فرصت این کار بمرسه باو داده خواهد شد و لزومی ندارد که شما قبل او و خودتان

میشود ، غالب از پدران و مادران در این سن نگران آن میشوند که وقتی کودک آنها بمرسه برود چه می‌شود ، آیا کودکشان استعداد فرا گرفتن دروس را خواهد داشت ؟ و در این کار اشکالی پیش نیاید ؟ خود کودک نیز وقتی می‌شنود که سال دیگر بمرسه خواهد رفت نظیر این نگرانی و تشویش را پیدا می‌کند و با هیجان زیاد در انتظار روزیست که از خانه بمرسه برود .